**مناصب مجتهد**

آنچه مشهور است برای مجتهد سه منصب افتاء، قضا و ولایت متصور است که در اصل تحقق این مناصب برای مجتهد هیچ اختلافی نیست، لکن در دایره بعضی از این موارد اجمالاً اختلاف وجود دارد.

**منصب افتاء:** در اصل منصب افتاء برای مجتهد هیچ اختلافی نیست، اما اینکه افتاء کجا واجب بوده و کجا مستحب است و احیاناً کجا با عناوین ثانویه غیر جایز می‌شود، بحث‌هایی وجود دارد.

**منصب قضا:** مستفاد از ادله فراوان، وجود منصب قضا برای مجتهد محل وفاق است، لکن بحث در این است که آیا این منصب برای غیر مجتهد نیز مفروض است؟ و چنانچه مفروض باشد، آیا این حق بالذات است یا باید با اذن مجتهد باشد؟ و همچنین در قاضی تحکیم محل اختلاف است که اجتهاد در آن شرط است یا نه؟

**منصب ولایت:** این منصب برای مجتهد با تحقق شرایطی ثابت بوده و دارای مراتبی است از جمله:

1- انشاء حکم فردی یا اجتماعی 2- تصدی امور حسبیّه 3- حکومت

در اصل تحقق منصب ولایت برای مجتهد اختلافی نیست، لکن در حدود و دایره آن اختلاف است.

مجتهد علاوه بر مناصب سه‌گانه فوق، وظیفه دیگری نیز دارد و آن نقش ارشاد و تربیت و هدایت است و در حقیقت مجتهد، شخص بارز سه قاعده "ارشاد"، "هدایت و تربیت" و "امربه‌معروف و نهی از منکر" است.

اهمیت پرداختن به مناصب و وظایف مجتهد به دلیل نکات و ملاحظات فقهی هر منصب است.

**مقدمه 32- فلسفه اجتهاد**

در مقابل فلسفه مطلق[[1]](#footnote-1)، فلسفه مضاف است که احکام یک علم یا پدیده خاص را بررسی و تحلیل می‌کند. بنابراین فلسفه مضاف دو گونه است:

1. مضاف به یک پدیده خاص مانند فلسفه نبوت که در این اصطلاح منظور از فلسفه، حکمت و هدف آن است.
2. مضاف به یک علم خاص که به معنای نگاه کلی بیرونی به یک علم بوده و مکمل آن به‌حساب می‌آید و بخشی از آن همان مباحث رئوس ثمانیة[[2]](#footnote-2) منطق است که رابطه بین آن دو، عموم خصوص من وجه یا مطلق است.

**اهم مباحث فلسفه مضاف به یک علم خاص**

1. متدولوژی[[3]](#footnote-3) و روش‌شناسی آن علم خاص است و اینکه آن علم با چه روش‌ها و مناهج خاصی گره‌خورده است.
2. تاریخچه و تطورات آن علم است و اینکه علم خاص چه سیر تاریخی را طی کرده که بخشی از آن توصیفی و بخشی تحلیلی است.
3. مبادی تصدیقیه علم خاص می‌باشد که عبارت باشد از پرداختن به مبانی و پیش‌فرض‌های آن علم.
4. مبادی تصوریه علم خاص است که بحث از اصطلاحات و مفاهیم موجود در آن علم است.
5. هدف و فایده آن علم خاص.
6. جایگاه این علم خاص در طبقه‌بندی علوم و رابطه سنجی آن با سایر علوم و پرداختن به تأثیر و تأثرات نسبت به دیگر علوم.

**سه اصطلاح فلسفه علم**

فلسفه علم سه اصطلاح دارد:

1- دانشی که بحث می‌کند از هر آنچه مربوط به یک علم است و شامل تمام موارد شش‌گانه فوق است.

2- دانشی که متدولوژی و روش‌شناسی را جزء فلسفه علم نمی‌داند

3- دانشی که متدولوژی و تاریخچه را جزء فلسفه علم نمی‌داند.

که در میان اصطلاحات علمی همین اصطلاح سوم رایج است.

**ترتیب محورهای شش‌گانه**

ازلحاظ منطقی، مبادی تصوری، مبادی تصدیقی و متدولوژی ما قبل العلم و تاریخچه علم ما بعدالعلم است، گرچه ازلحاظ زمانی ممکن است مقارن باشند.

**فلسفه مضاف فقه**

در علم فقه نیز محورهای شش‌گانه فوق موجود است، لکن چون تاریخچه علم فقه و متدولوژی آن(علم اصول) سامان‌یافته و به‌عنوان دانش معظمی مطرح است از آن‌ها بحث نمی‌شود و همان اصطلاح سوم در فلسفه مضاف علم ترجیح دارد.

1. - فلسفه مطلق یا فلسفه اولی، علمی است که موضوع آن «وجود بماهو وجود» بوده و در مورد احکام کلی وجود بحث می‌کند. [↑](#footnote-ref-1)
2. - درگذشته هنگامی‌که علمای اسلامی می‌خواستند از علمی بحث کنند ابتدا به طرح رئوس ثمانیه آن علم می‌پرداختند . رئوس ثمانیه هر علم یعنی بیان: مؤلف علم، تاریخچه، وجه‌تسمیه، رتبه علم بین علوم (یا روش تعلیم و تربیت)، تعریف علم، موضوع علم، غایت علم، تقسیم مباحث علم [↑](#footnote-ref-2)
3. - روش‌شناسی یا متدولوژی (به انگلیسی: Methodology). [↑](#footnote-ref-3)